

NO GSI/PA  
NO GSI/PA  
NO GSI/PA  
NO GSI/PA  
NO GSI/PA  
NO GSI/PA  
NO GSI/PA

NO GSI/PA

NO GSI/PA

خوشنویسی یا خطاطی به معنی زیبانویسی یا نوشتن همراه با خلق زیبایی است و فردی که این فرایند توسط او انجام می‌گیرد خوش نویس نام دارد و به‌خصوص زمانی که خوش نویسی حرفه ی شخص باشد. گاهی درک خوشنویسی به عنوان یک هنر مشکل است. به نظر می‌رسد برای درک و لذت بردن از تجربه بصری خوشنویسی باید بدانیم خوشنویس افزون بر نگارش یک متن سعی داشته اثری هنری با ارزش‌های زیبایی شناختی خلق کند.۱۱ از این رو خوشنویسی با نگارش سادهٔ مطالب و حتا طراحی حروف و صفحه‌آرایی متفاوت است. همچنین از آنجایی که این هنر جنبه‌هایی از سنت را در دل خود دارد باید آن را تا حدی از تاپیوگرافی که مبتنی بر ارزش‌های گرافیکی مدرن و کارهای چاپی است متمایز کرد. خوشنویسی تقریباً در تمام فرهنگ‌ها به چشم می‌خورد اما در مشرق زمین و به‌ویژه در سرزمین‌های اسلامی و ایران در قله هنرهای بصری واقع است. خوشنویسی اسلامی و بیش از آن خوشنویسی ایرانی تعادلی است حیرت‌انگیز میان تمامی اجزا و عناصر تشکیل دهندهٔ آن. تعادل میان مفید و مورد مصرف بودن از یک سو و پویایی و تغییر شکل یابندگی آن از سوی دیگر تعادل میان قالب و محتوا که با آراستگی و ملایمت تام و تمام می‌تواند شکل مناسب را برای معانی مختلف فراهم آورد. اگر در نظر داشته باشیم که خوشنویسی اسلامی و ایرانی براساس قالب‌ها و قواعد و نظام‌های بسیار مشخصی شکل می‌گیرد و هر یک از حروف قلم‌های مختلف از نظام شکلی خاص و تا حدود زیادی غیرقابل تغییر برخوردارند. آنگاه درمی‌یابیم که ایجاد قلم‌های تازه و یا شیوه‌های شخصی خوشنویسان بر مبنای چه ابداع و رعایت حیرت‌انگیزی پدیدار می‌شود. در خوشنویسی اندازه هر حرف و نسبت آن با سایر حروف با دقت بسیار بالایی معین شده‌است و هر حرف به صورت یک مدول ثابت درمی‌آید که تخطی از آن به‌منزله ناپایده گرفتن توافقی چندصدساله‌است که همیشه میان خوشنویس و مخاطب برقرار بوده و با رضایت طرفین حاصل می‌آمده‌است. حتی ترتیب شکل کلمات نیز براساس مبانی مشخصی تعیین می‌شده که در رسم‌الخط‌ها و آداب‌المشق‌ها از جانب اساتید بزرگ تنظیم و ارائه شده‌است. قرارگیری کلمات نیز یعنی کرسی. هر سطر هر چند نه به صورت کاملاً پیش‌بینی و تکلیف شده که ناممکن بوده‌است اما به‌شکل سلیقه مطلوب زمینه زیبایی شناختی پیشنهادی خاص خود را دارا بوده‌است.

خوشنویسی اسلامی خوشنویسی همواره برای مسلمانان اهمیتی خاص داشته‌است. زیرا در اصل آن را هنر تجسم کلام وحی می‌دانسته‌اند. آنان خط زیبا را نه فقط در استنساخ قرآن بلکه در اغلب هنرها به‌کار می‌بردند.۵ خوشنویسی یا خطاطی در کلیه کشورهای اسلامی همواره به عنوان والاترین هنر مورد توجه بوده است. مردمان این سرزمین‌ها به‌ویژه ایرانیان در اوج قدرت و نهایت ظرافت در این هنر تجلی یافت و خوشنویسی به مانند محوری در میان سایر هنرهای بصری ایفای نقش کرده‌است. خوشنویسی از قرون اولیه اسلامی تا کنون در کلیه کشورهای اسلامی و مناطق تحت نفوذ مسلمانان با حساسیت و قدرت تمام در اوج جریان‌ات هنری بوده‌است. قدیمی‌ترین نسخه قرآن به خط کوفی است و به علی بن ابی‌طالب منسوب است. پس از قرن پنجم هجری خط کوفی تقریباً جای خود را به خط نسخ داد که حروف آن بر خلاف حروف زاویه‌دار خط کوفی منحنی و قوس‌دار است.۶ در اوایل قرن چهارم سال ۳۱۰ هجری قمری ابن مقله بیضاری شیرازی خطوطی را بوجود آورد که به خطوط ششگانه یا اقلام سته معروف شدند که عبارتند از: محقق ریحان ثلث نسخ رقا و توفیق. که وجه تمایز آنها اختلاف در شکل حروف و کلمات و نسبت سطح و دور در هر کدام می‌باشد. همچنین او برای این خطوط قواعدی وضع کرد که به اصول دوازده‌گانه خوشنویسی معروفند و عبارتند از: ترکیب کرسی نسبت ضعیف قوت سطح دور صعود مجازی نزول مجازی اصول صفا و شأن.۷ یک قرن بعد از این مقله ابن بواب برای خط نسخ قواعدی تازه ایجاد کرد و این خط را کامل نمود در قرن هفتم جمال الدین یاقوت مستعصمی به این خط جان تازه‌ای بخشید و قرآن کریم را برای چندین بار کتابت نمود.۸

خوشنویسی ایرانی درحالی که عمدهٔ تبدیل نگارش معمولی کلمات به خوشنویسی هنرمندانه به عهده ایرانیان بوده‌است رفته رفته ایرانیان سبک و شیوه‌هایی مختص به خود را در خوشنویسی ابداع کردند. هرچند این شیوه‌ها و قلم‌های ابداعی در سایر کشورهای اسلامی هم طرفدارانی دارد اما بیشتر مربوط به ایران و کشورهای تحت نفوذ آن همچون کشورهای آسیای میانه افغانستان پاکستان و هند می‌باشد. در این منطقه نیز خوشنویسی همواره به عنوان والاترین شکل هنرهای بصری مورد توجه بوده و دارای لطافتی خاص است. در ایران پس از فتح اسلام خطاطی به شیوهٔ نسخ وجود داشت. در زمان حکومت ایلخانیان اوراق مذهب کتاب‌ها نخستین بار با نقش‌های تزیینی زینت یافت. در زمان حکومت تیموریان در ایران خط و خوشنویسی به اوج کمال خود رسید. میرعلی تبریزی با ترکیب خط نسخ و تعلیق خط نستعلیق را بنیان نهاد. مشهورترین خطاط قرآن در این دوره بایسنقر میرزا بود.۹ آنچه که به عنوان شیوه‌ها یا قلم‌های خوشنویسی ایرانی شناخته می‌شود بیشتر برای نوشتن متون غیر مذهبی نظیر دیوان اشعار قطعات طریف هنری و یا برای مراسلات و مکاتبات اداری ابداع شده و به‌کار رفته‌است. این در حالی است که خط نزد اعراب و ترکان عثمانی بیشتر جنبه دینی و قدسی داشته‌است. هرچند آنان نیز برای امور منشی‌گری و غیر مذهبی قلم‌هایی را بیشتر به‌کار می‌بردند اما اوج هنرنامه‌ای آنان بر خلاف خوشنویسان ایرانی در خط ثلث و نسخ و کتابت قرآن و احادیث قابل رویت است. در ایران نیز برای امور مذهبی مانند کتابت قرآن یا احادیث و روایات و همچنین کتیبه‌نویسی مساجد و مدارس مذهبی بیشتر از خطوط ثلث و نسخ بهره می‌گرفتند که نزد اعراب رواج بیشتری دارد. هرچند ایرانیان در این قلم‌ها نیز شیوه‌هایی مجزا و مختص به خود آفریده‌اند. خط تعلیق را می‌توان نخستین خط ایرانی دانست. خط تعلیق که ترسل نیز نامیده می‌شد از اوایل قرن هفتم پا به عرصه گذاشت و حدود یکصد سال دوام داشت تعلیق از ترکیب خطوط نسخ و رقا و به وجود آمد و کسی که این خط را قانونمند کرد خواجه تاج سلمانی بود. که بعدها به وسیله خواجه عبدالحی منشی استرآبادی بدان قواعد و اصول بیشتری بخشیده شد.۱۰ پس از خط تعلیق که نخستین خط شکل گرفته ایرانی بود. در قرن هشتم میرعلی تبریزی ۸۵۰ هجری قمری از ترکیب و ادغام دو خط نسخ و تعلیق خطی بنام نسخ‌تعلیق بوجود آورد که نام آن در اثر کثرت استعمال به نستعلیق تغییر پیدا کرد. این خط بسیار مورد اقبال واقع شد و موجب تحول عظیمی در هنر خوشنویسی گردید.۱۱ و بعدها در دوران شاه عباس صفوی به دست میرعماد حسنی به اوج زیبایی و کمال رسید. خط نستعلیق علاوه بر خوشنویسانی که در حیطه ایران کنونی می‌زیستند در خراسان بزرگ و کشورهای آسیای میانه افغانستان و به‌ویژه خوشنویسان دربار گورکانیان در هندوستان که تعلق خاطر ویژه‌ای به فرهنگ ایرانی داشتند رشد و پیشرفت قابل توجهی کرد. بطور کلی قرنهای نهم تا یازدهم هجری را می‌توان قرن‌های درخشان در هنر خوشنویسی در ایران دانست. در اواسط قرن یازدهم سومین خط خالص ایرانی یعنی شکسته نستعلیق به دست مرتضی قلی خان شاملو حاکم هرات با تغییر دادن خط نستعلیق ابداع شد. علت پیدایش آن را می‌توان به سبب نیاز به تندنویسی و راحت‌نویسی در امور منشی‌گری و بیش از آن ذوق و خلاقیت ایرانی دانست. همانظوری که بعد از پیدایش خط تعلیق ایرانیان به‌خاطر سرعت در کتابت شکسته تعلیق آن‌را نیز بوجود آوردند.۱۲ درویش عبدالمجید طالقانی این خط را به کمال رساند. در دوران قاجار خط کاربرد اصلی خود یعنی کتابت را از دست داد. از یک سو با تأکید و توسعه سیاه‌مشق نویسی به سمت هنر ناب رفت و از دیگر سو با پدید آمدن روزنامه‌ها و چاپ سنگی خود را به هنرهای کاربردی نزدیک شد. در دوران پهلوی روند نیازهای مدرن تجاری و تبلیغی خط را از کنج کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی به بستر اجتماع کشاند و جریان‌ات

هنری مدرنی شیوہ ہائی چون نقاشی خط را بہ وجود آوردند کہ کماکان مورد توجہ محافل هنری جهان است۔ در سالهای پس از انقلاب اسلامی خوشنویسی با اقبال عمومی روبرو شد و انجمن خوشنویسان ایران کہ در سال ۱۳۲۹ تشکیل شدہ بود نقش بارزی در رشد و توسعہ کمی و کیفی این هنر بہ عہدہ گرفت۔ همچنین خطی بہ نام معلی در سال های اخیر با تاثیر از خطوط اسلامی ایرانی ثلث و شکستہ نستعلیق توسط آقای حمید عجمی ابداع گردید کہ تاحدی مورد استقبال قرار گرفت۔ آخرین دستاورد خوشنویسی ایران را می توان بہ ابداعات خوشنویسی سیحان مہرداد محمدپور اشارہ کرد خط سیحان یک خط قانونمند همانند نسخ و ثلث بودہ و قابلیت کتابت و کتبہ نویسی فارسی و عربی را دارا می باشد و آن را در دستہ ی خطوط کامل همانند خطوط ششی گانہ قرار دادہ اند۔

فن الخط فن الخط وهو نوع من الفنون البصرية وهو غالبا ما يطلق على فن الكتابة للممارسة فن الخط العربي هو فن إعطاء شكل للعلامات بطريقة معينة ومتناغمة وماهرة الكتابة هي واحدة من التطور الجمالي متحد في إطار المهارات التقنية وسرعات الانتقال وتحديد المواد الزمان والمكان من الشخص ١٩٦٨ ٤٤١ ويوصف نمط معين من الكتابة بأنه نصي أو نسخ أبجدي فريزر و ١٩٠٩ بلايت ٦ يتراوح الخط الحديث من كتابات وتصاميم خط اليد الوظيفي إلى القطع الفنية حيث التعبير المجرد للعلامات المكتوبة بخط اليد التي قد تحل أو لا تحل محل قراءة الحروف اليد الغير تقليدي وإن كان الخطاط قد يبتكر كل هؤلاء وهي تاريخيا حروف منظمة ومع ذلك سلسلة وتلقائية ومرتبلة في لحظة الكتابة ٢٠٠٦ و ٢٠٠٧ ٢٠٠٦ ويستمر الخط العربي في الأزدهار في أشكال دعوات الزواج والأحداث وتصميم بنط الطباعة وتصميم الشعار باستخدام خط النسخ والفن الديني والإعلانات التصميم الجرافيكي وفن الخط والنقش على القطع الحجرية ووثيقة الغراء ويستخدم أيضا من أجل الأثاث والصور المتحركة للسينما والتلفزيون والشهادة في القضايا وشهادات الميلاد والوفاة والخرائط وغيرها من الأعمال التي تنطوي على الكتابة

الأدوات الأداة الرئيسية في فن الخط هو القلم مشطوف الرأس والمدبب والريشة وهناك المبرهه عبارة عن حبر زيتي القوام يستخدم في الكتابة وكذلك من ادوات الخط الورق عالي الجودة

الفنون البصرية الفنون البصرية هي الأشكال الفنية التي تركز على إنشاء الأعمال التي هي في المقام الأول مرئية في الطبعة مثل الفنون التشكيلية التقليدية الخرف الرسم الرسم الفني النحت العمارة والطباعة الفنون البصرية الحديثة التصوير الفوتوغرافي الفيديو وصناعة الأفلام والتصميم والحرف اليدوية العديد من التخصصات الفنية الفنون المسرحية فنون اللغة فنون السيج وفن الطهي تنطوي على جوانب من الفنون البصرية بالإضافة إلى أنواع أخرى وبالتالي فإن هذه التعريفات ليست دقيقة والمفهوم المتغير الاستخدام الحالي لمصطلح الفنون البصرية يتضمن الفنون الجميلة بالإضافة إلى الحرف اليدوية ولكن هذا ليس هو الحال دائما قبل حركة الفنون والحرف اليدوية في بريطانيا وأماكن أخرى في مطلع القرن الفنان التشكيلي يعود على الشخص الذي يعمل في مجال الفنون الجميلة مثل الرسم النحت أو الطباعة وليس مجال الاشغال اليدوية والحرفية أو من يطبق ضوابط الفن وأكد التمييز من قبل فنانين من مجال الفنون والحرف الحركية الذين يقدرون أشكال الفن العامة بقدر الأشكال الاعمدة الحركة تتناقض مع المتحررون الذين سعوا لحجب الفنون العالية عن الجماهير من خلال ابقائها مقصورة على فئة معينة من الناس بحاجة لمصدر مدرسة الفن تفرق بين الفنون الجميلة والحرف اليدوية في مثل هذه الطريقة التي لا يمكن اعتبار الحرفيين ممارسون للفن

فن الكمبيوتر الفنانين البصريين لم يعد يقتصر عمله على وسائل الفن التقليدي أجهزة الكمبيوتر قد تؤدي إلى تعزيز الفنون البصرية من سهولة الأداء أو قالب للتحرير لاستكشاف مكونات متعددة للطباعة بما في ذلك الطباعة ثلاثية الأبعاد فن الكمبيوتر هو أي فن يكون للكمبيوتر دورا من إنتاج أو عرض العمل الفني هذا الفن يمكن أن يكون صورة صوت صور متحركة فيديو أقراص مضغوطة دي في دي لعبة فيديو موقع خوارزمية أداء أو تثبيت معرض رسوم العديد من التخصصات التقليدية الآن تقوم بدمج التقنيات الرقمية و نتيجة لذلك الخطوط بين العمل التقليدي للفن وعمل الوسائل الجديدة التي تم إنشاؤها باستخدام أجهزة الكمبيوتر كانت غير واضحة على سبيل المثال الفنان قد يجمع بين الرسم التقليدي مع الفن الحسائي وغيرها من التقنيات الرقمية نتيجة لذلك تحديد فن الكمبيوتر بواسطة منتجها النهائي يمكن أن يكون صعبا ومع ذلك هذا النوع من الفن قد بدأ بالظهور في المتاحف والمعارض الفنية على الرغم من أنه لم تثبت شرعيتها بعد بوصفها شكلا قائما بذاته وهذه التكنولوجيا على نطاق واسع في الفن المعاصر تعتبر كأداة أكثر من أنها شكلا من أشكال الفن كما هو الحال مع التصوير الزيتي استخدام الكمبيوتر حجب الفرق بين الرسامون المصورون محررين الصور النماذج ثلاثية الأبعاد وفنانو الحرف اليدوية برامج التحرير والتقديم المتطورة أدت إلى تعدد مهارات مطورين الصور قد يصبح المصورين فنانين رقميين قد يصبح الرسامين صانعو رسوم متحركة الحرف اليدوية قد تصبح بمساعدة الحاسوب أو استخدام الكمبيوتر لتوليد الصور كقالب استخدام مقاطع الكمبيوتر الفنية جعلت التمييز الواضح بين الفنون البصرية ومخطط الصفحة أقل وضوحا بفضل سهولة الوصول وتحرير المقاطع الفنية في عملية ترقيم صفحات الوثيقة وخاصة للمراقبين الذين يفتقرون للبراعة

آرت آرٹ ایسے کم یا کماں نوں آکھیا جاندا اے جیدے وچ چیزاں نوں نشاناں نال اینج دسیا جاندا اے جے اوہ سوہنیاں لگن ارٹ دی بنی شی کوئی کہانی دسدی اے یا صرف کوئی سوہنا سچ یا مسوس ہون والا جذبہ انسانیکلوپیڈیا بریٹانیکا آرٹ نوں اینج دسدا اے اوہ سوہنیاں شیواں محول یا تجربیاں جنہاں نوں دوجیاں نوں وی دسیا جاسکے تے جنہاں دے بنان وچ سوچ تے گر نوں ورتیا گیا ہوئے ایہجے آرٹ وچ مورتاں بتی بنانا آرت وچ گنیا جاندا اے پر اوبدے وچ اوس شے تے کم لینا اوبدے بنان دا مذہبوندا اے موسیقی تھیٹر فلم نوں آرٹ نال رلایا جاسکدا اے آرٹ فلاسفی دی اک ونڈ اے جیدے وچ ایدی اصل ایدا بنانا تے ایہنوں دسنا آندے نیں آرٹ اک ول یا راہ اے انسانی سوچ یا جذبے نوں دسی یا کسے پور تک اپڑان لئی ارسطو دی فلاسفی وچ آرٹ اک ودیا تے آئیڈیل نقل اے لیونالتسائی ایہنوں اک بندے نوں دوجے بندے تک گل اپڑان دا پنھا ول کیندا اے مارش ہائیڈگر دی اکھ وچ آرٹ اک ایسا ول اے جیدے راہیں کوئی سکت اپنا آپ دسدی اے

تریخ وینس ولنڈورف آرٹ دے سب توں پرانے نمونے پتھر ویلے توں لیدے نیں وینس ولنڈورف توں ۱۱۱۱۱۱۱۱ م پ دی اک زنانی دی پتھر دی بنی مورتی اے جیہڑی آسٹریا توں لی سی لاسکو فرانس وچ زمین دے اندر غاراں وچوں ۱۱۱۱۱۱۱۱ ورے پرانیاں جاتوراں تے انساناں دیاں مورتاں کنداں تے بنیاں ملیاں نیں ایہناں وچ انسان شکار کردا دسیا گیا اے وشکارلہ پتھر ویلہ ۱۱۱۱۱۱۱۱ م

پ لنگان نے نیولٹھک ویلے ۱۱۱۱ م پ وچ انسان نے وائی بیچی نے اک تھانے تک کے رہنا سکھیا ربتلاں گنجلیاں ہویاں نے مذہب نے وی ماننا پائی تے انسان نے اپنے فیدے لئی ہتھ نال کشی چیزاں بنائیاں سکھیاں نے فیر کانسی ویلے ۱۱۱۱ م پ وچ پہلیاں انسانی ربتلاں ہونگریاں پرانے مصر پرانے عراق فارس بڑہ ربتل چین پرانے یونان روم نے انکا نے مایا دیاں ربتلاں نے اپنیاں آرٹ دیاں ربتیاں اپنیاں ضرورتاں نے اپنے کول ہون والیاں شیواں توں بنایاں آرٹ اودوں لکھائی دے بنی نال ٹردا اے لکھائی اپنے مذہو ویلے توں نے ہبار دے کم نوں سوکھا نے لین دین نوں یاد رکھن لئی بنی لکھائی پہلے مورتاں نال نے فیر وازاں نوں نشان دے کے تے اوبناں نوں جوڑ کے بنائی جاندی اے

پرانا عراق پرانے عراق دا آرٹ درجہ نے فرات دے دریاواں دے وشکار ۱۱۱۱ بزار ورے پہلے توں اونھے ہونگرن والیاں اشوری سمیری کالدی ربتلاں وچ بنیا اینھوں دے آرکینیکچر وچ ات نے ذات دا ورثہ سی نے ایڈے نال زکورت مندر نے وکھریاں پدھراں والے برم بنائے گئے محلاں وچ وکھریاں پدھراں نے سوہنے رکھ لائے گئے جیہڑے پرانی دنیا دیاں ۱۱۱۱ نوپکلیاں شیواں وچوں سی بٹی بنان دا ول لکڑ نوں چھل کے نے نقشی دہکی پتھر نال بنیا تے ایہناں نال مذہبی شکاری نے فوجی وکھالے انساناں نے جانوراں نال بنائے جاندے سی سمیری ویلے وچ نکیاں بنیاں جنان دے کراے تھکے رنگلے پتھر دیاں گنجے سر نے چھانیاں نے ہتھ سی اکادی ویلے دیاں بنیاں دے سر دے وال لمے تے دازیاں سن جیویں نارام سین عموری ویلے دیاں بنیاں نوں لاگاشی گڈیا وچ سمجیا جاسکدا اے جیدے چ گڈیا نے چادر سر نے ٹوپی تے ہتھ چھائی تے رکھے نیں اشتر ہوا جیہڑا بابل وچ ۱۱۱۱ م پ وچ بنایا گیا سی بابل دے ارکینیکچر آرٹ دی وڈی نشانی اے تے ایڈا کج حصہ پرگاموں میوزیم برلن وچ ہے گیونل شیرنی ۱۱۱۱ ورے پرانی لائم پتھر دی بنی اک مورتی اے عراق وچ ایہ اودوں بنی جدوں پہلے تے لکھن دا ول بنے گئے دکھنی عراق وچ ارک وچ گول پیپ ورگیاں مہراں تے بنیاں مورتاں کہانی سناندا اک نوپکلا ول سی ایہ مہراں پتھر مٹی یا کسے پور شے دیاں وی بنیا ہوسکدیاں سی رات دی رانی عراق چوں لئی کوئی ۱۱۱۱ ورے پرانی پتھر تے بنی عورت دیوی دی بنی اے جیدے پیر پنجھی ورکے دوالے پر سجے کھپے شیر نے الو نیں گڈیا دی بنی ۱۱۱۱ م پ ورے پرانی اے ار دا سنینڈرڈ گھڑی بکری تانبہ بلد تے گدھ دی یادگار پرانے عراق دے آرٹ دیاں متیاں پرمنیاں نشانیاں نیں لکھائی دا ول بنن نال پرانے عراقی لکھتاں وچ وی اپنے آپ نوں دسدے نیں گلگامش ۱۱۱۱ صدی م پ وچ لکھی گئی ایڈے وچ سمیری نے اکادی دیوتاواں دیاں کہانیاں نیں اثراہسس اکادی ویلے دی اک لکھت اے جیدے وچ بڑاں دی کہانی دسی گئی اے بابل دیاں لکھتاں وچ سب توں مٹی پرمنی لکھت انوما الیش اے جیدے وچ ایس کائنات دے بنی دی کہانی دتی گئی اے

پرانا مصر ملکہ نیفریتیتی پرانا مصری آرٹ ۱۱۱۱ م پ توں لے کے ۱۱۱۱ تک دے ویلے تک پھیلی ہوئی مصری ربتل دی نشانی اے تے ایڈے وچ مورتاں بتیاں آرکینیکچر نے رلڈیاں چیزاں آندیاں نیں ایہ مصری آرٹ پرانیاں قبرباں تے یادگاری تھانواں توں لبیا تے اینج ایڈھے وچ مرن مگروں جیوں نے پرانی جانکاری نوں بچان تے زور اے ایہ آرٹ ۱۱۱۱ م پ توں لے کے نیچی صدی تک تے اچھے دوسرے تے تیسرے تیر ویلے وچ بنیا ۱۱۱۱ ورے دے لمے ویلے وچ ایڈا تے باہر دا کوئی اثر ناں پایا تے جس وڈیا ول نال ایہ تریا تے بنایا گیا انت تک انج دا ای ریا ایس ویلے دا منیا آرٹسٹ پیبلو پاکسو مصری آرٹ توں اثر لیندا اے مصر اک سکا دیس ہون باجوں ایہنے بنیاں مورتاں ٹھیک ملیاں نیں مصر دیاں بنیاں وچوں سب توں چوکھیاں جانیاں جان والیاں رامسسس اخناتون نیفریتیتی اوسکورن امینوپ منکار تے تنخامون نیں مصری پانڈے پتھر توں لے کے مٹی نال بندے سن تے اوہنے تے کالے یا رنگلے نقش بنے ہوندے سن ایہناں وچ عام کر وچ ورتن دے پانڈے مرتباں کڑے نیں مصری مندراں ۱۱۱۱ محلاں ۱۱۱۱ قبرباں تے پور کونھیاں نوں بنان وچ ات لائم پتھر ریتلا پتھر تے گرینائٹ ورتے گئے لکڑ تھوڑی ہون باجوں ایڈا ورتن تھوڑا اے خوفو دا ابرام ایوالہول کرناک لکسر ادفو دے مندر ایڈے وڈے ادھارن نیں مصری لکھتاں تے مورتاں بنان لئی پیپائرس ورتدے سن ایہ اک ہونے توں بنایا جاندی سی ایڈیاں نشانیاں مصر دے سکے موسم وچ رہ گیا پور کلاسیکی دنیا وچ وی ایڈا ورتن سی پر پرکتے پور ناں رہیاں

پرانا یونان پرانا یونانی آرٹ بتیاں آرکینیکچر پانڈے تے مورتاں وچ دسد اے تے ایس نے یورپ تے ایشیا وچ پاکستان تک اپنے رنگ چھڈے نیں یونانی پانڈے وکھریاں ویلیاں وچ وکھریاں ولان نے نمونیاں وچ بندے سن پانڈے جنان وچ مرتباں تے پلیناں تے عام زندگی دیاں مورتاں بنیاں ہونددیاں سن یونانی آرکینیکچر اپنی شان سادگی تے سوہنے وچ اپنی ادھارن آپ اے پرگاموں ہارتھین بیفسنس دا مندر ویکھی والیاں تھانواں نیں مائلو دی ویش سیموتھریس دی نائیکے یونانی بتیاں دیاں وڈیا ادھارن نیں

دکھنی ایشیا دکھنی ایشاء وچ آرٹ دی ریت بڑہ ربتل توں تردی ہوئی اج دے ویلے تک ایڈی اے پانڈے بتیاں آرکینیکچر مورتاں تے ایہ آرٹ ویکھیا جاسکدا اے مہنچودازو دی نچدی کڑی پنڈت بادشاہ مہراں جنہاں تے ہاتھی بلد تے سواسیتیکا بنے ہوئے سن تے مٹی دے وڈے مرتباں تے پانڈیاں تے مورتاں اوس ویلے دے آرٹ دا وکھالہ نیں بت بنانا بندو جین تے بدھ مت دی ریت رٹی اے اجنتا دے غار پرانی بندستانی بٹی دی اک وڈیا تھان اے بندو ہزاراں وریاں توں اپنے دیوی دیوتاواں وشنو شیوا لکشمی گنیش بنومان اندرا رام تے سرسوتی دیاں مورتاں تے بتیاں بنا کے مندراں تے کراں وچ رکھدے آئے نیں اتلے پنجاب وچ گندھارہ بدھ مت دے ارکینیکچر دی وڈی تھان سی ایہ بتیاں بدھ تے اودے جیوں دے دوالے نیں تے ویلے نال ایہناں دے بنان وچ تبدیلیاں آئیاں تے یونانی رنگ وی دسدا اے مغل راج ویلے ایرانی رنگ موراں وچ دسدا اے مغل راج ویلے دیاں مورتاں مغل بادشاہواں نے اوبناں دے جیوں دے دوالے ای بنیاں نیں کانگڑہ راجپوت نے پنجاب مورتاں بنان دے مغلان مگروں وکھرے سکول سن مورتاں دے ول نوں انگریزاں نے آکے اپنا رنگ وی چاڑیا قطب مینار قطب دین ایبک دی جت نے دلی وچ بنایا گیا اک مینار اے ارکینیکچر وچ پرانے قلعیاں مندراں دے مگروں مغل ویلے وچ مغل آرکینیکچر ہندستان دی پہچان بندا اے تاج محل بادشاہی مسجد شالامار باغ شاہی قلعہ مغل آرکینیکچر دے کج نشان نیں

اسلامی خطاطی اسلامی خطاطی ۱۱۱۱ یہ ایک فن ہے جو لکھنے سے تعلق رکھتا ہے بالخصوص عربی حروف خوبصورت انداز میں لکھنے کا فن ۱۱۱۱ اس فن کو اسلام سے جوڑ دیا گیا اس کی وجہ عربی زبان میں یہ فن مقبول ہوا ہے اسلامی سماج میں قرآن کی اہمیت اور اس کی تحریر اور تحفظ اس فن کو فروغ ہونے میں کامیابی ملی ۱۱۱۱ یہ فن عربی زبان ہی میں نہیں بلکہ فارسی ترکی اردو آذری زبانوں میں بھی عام ہے

خطاطی بحیثیت اسلامی فن کافی سراہی گئی مذہب اسلام کے ماننے والے دنیا کے مختلف ممالک میں ہیں اور مختلف زبانیں بولتے ہیں یہ فن مسلمانوں کی مختلف زبانوں کو جوڑنے کا کام کیا ہے عربی فارسی اردو سندھی آذری ترکی وغیرہ زبانوں میں بھی یہ فن مقبول ہوا قرآن کی کتابت میں یہ فن بہت ہی کارآمد رہا چھاپہ مشین ایجاد ہونے سے پہلے کاتب حضرات ہی ان

زبانوں میں کتابت اور اشاعتوں کا بیڑا اٹھایا عثمانیہ دور میں دیوانی خط عروج میں آیا دیوانی خط کا ایک روپ جلی دیوانی یا دیوانی الجالی ہے رفتہ رفتہ رفع خط کا ارتقاء ہوا اشیاء خطاطی ترمیم رواجی طور پر خطاطی کے لیے قلم دوات اور رنگ اہم ہیں قلم خطاطی کے لیے مخصوص قلم بنائے جاتے ہیں برو یا بانس یا بمبو کے قلم مشہور ہیں قلم کی نوک حرفوں کی چوڑائی کے مطابق بنائے جاتے ہیں حروف جتنے چوڑے قلم کی نوک اتنی چوڑی دوات دوات ششی اور ہمہ قسم کے رنگ بھی استعمال ہوتے ہیں خطاطی سکھانے کے کئی مراکز بھی ہیں شہر حیدرآباد دکن میں اردو اکیڈمی انجمن ترقی اردو عابد علی خان ٹرسٹ آج بھی خطاطی میں ٹریننگ دے رہے ہیں

مساجد اور خطاطی ترمیم اسلامی مسجد خطاطی یہ بھی اسی فن کا ایک جز ہے مسجدوں کی میناروں کی تعمیرات میں اس فن کو دیکھا جاسکتا ہے مساجد میں قرآنی آیات میناروں پر گنبدوں پر اندرون گنبد پر قرآنی کلمات کا لکھا جانا فن تعمیر فن خطاطی کا ایک مرکب ہے

عبارت بسم الله الرحمن الرحيم اور الله محمد صلى الله عليه وآله وسلم مساجد میں لکھنا ایک عام رسم ہے ان کے علاوہ قرآنی آیات کا لکھا جانا بھی عام ہے

عربی زبان عربی العربية یا عربی لغة عربية سامی زبانوں میں سب سے بڑی ہے اور عبرانی اور آرامی زبانوں سے بہت ملتی ہے جدید عربی کلاسیکی عربی زبان فصیح عربی یا اللغة العربية الفصحی کی تھوڑی سی بدلی ہوئی شکل ہے فصیح عربی قدیم زمانے سے ہی بہت ترقی یافتہ شکل میں تھی اور قرآن کی زبان ہونے کی وجہ سے زندہ ہے فصیح عربی اور بولے جانے والی عربی میں بہت فرق نہیں بلکہ ایسے ہی ہے جیسے بولے جانے والی اردو اور ادبی اردو میں فرق ہے عربی زبان نے اسلام کی ترقی کی وجہ سے مسلمانوں کی دوسری زبانوں مثلاً اردو فارسی ترکی وغیرہ پر بڑا اثر ڈالا ہے اور ان زبانوں میں عربی کے بے شمار الفاظ موجود ہیں عربی کو مسلمانوں کی مذہبی زبان کی حیثیت حاصل ہے اور تمام دنیا کے مسلمان قرآن پڑھنے کی وجہ سے عربی حروف اور الفاظ سے مانوس ہیں عربی کے کئی لہجے آج کل پائے جاتے ہیں مثلاً مصری شامی عراقی حجازی وغیرہ مگر تمام لہجے میں بولنے والے ایک دوسرے کی بات بخوبی سمجھ سکتے ہیں اور لہجے کے علاوہ فرق نسبتاً معمولی ہے یہ دائیں سے بائیں لکھی جاتی ہے اور اس میں ہمزه سمیت حروف تہجی ہیں جنہیں حروف ابجد کہا جاتا ہے

حروف تہجی حروف تہجی سے مراد وہ علامتیں ہیں جنہیں لکھنے کے لیے استعمال کیا جاتا ہے اکثر زبانوں میں یہ مختلف آوازوں کی علامات ہیں مگر کچھ زبانوں میں یہ مختلف تصاویر کی صورت میں بھی استعمال کیے جاتے ہیں بعض ماہرین لسانیات کے خیال میں سب سے پہلے سامی النسل یا فنیقی لوگوں نے حروف کو استعمال کیا بعد میں عربی کی شکل میں حروف نے وہ شکل پائی جو اردو میں استعمال ہوتے ہیں بعض ماہرین ان کی ابتداء کو قدیم مصر سے جوڑتے ہیں اردو میں جو حروف استعمال ہوتے ہیں وہ عربی سے لیے گئے ہیں جنہیں حروف ابجد بھی کہا جاتا ہے ان کی پرانی عربی ترتیب کچھ یوں ہے ابجد ہوز حطی کلمن سعقص قرشت ثخذ ضطغ انہیں حروف ابجد بھی کہتے ہیں علم جفر میں ان کے ساتھ کچھ اعداد کو بھی منسلک کیا جاتا ہے جو کچھ یوں ہیں

اس طریقہ سے اگر بسم الله الرحمن الرحيم کے اعداد شمار کیے جائیں تو بنتے ہیں بعض اہل علم ہمزه ء کو بھی ایک الگ حرف مانتے ہیں اس حساب سے پھر عربی کے انتیس حروف تہجی بنتے ہیں اردو زبان میں عربی کے ان حروف کے علاوہ مزید حروف استعمال ہوتے ہیں اردو میں ہمزه سمیت کل حروف ہیں اس کے علاوہ کچھ آوازیں حروف کے مجموعے سے بھی ظاہر کی جاتی ہیں مثلاً کھ بھ وغیرہ اردو میں فن تاریخ گوئی کی صنف موجود ہے جس میں اشعار یا ایک مصرع سے کسی واقعہ کی تاریخ برآمد کی جاتی ہے اردو میں حروف کے اعداد حروف ابجد جیسے ہی ہیں اضافی حروف کے لیے بھی انہی سے مدد لی جاتی ہے مثلاً پ کے اعداد ب کے برابر ڈ کے اعداد د کے برابر گ کے اعداد ک کے برابر اور ے کے اعداد ی کے برابر شمار کیے جاتے ہیں